

۱۵۱۹۳۶

دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

فرایندواژه سازی با وندها در کلیده و دمنه

استاد راهنما:

دکتر مهدی کدخدای طراحی

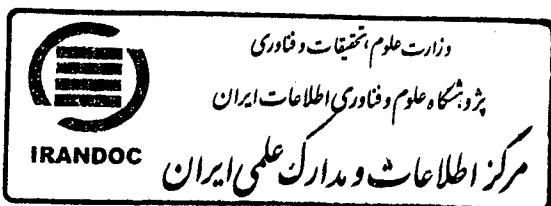
استاد مشاور:

دکتر محمد امین رکنی

نگارش:

علی محمد آرزو زاده

شهریور ۱۳۸۹



۱۵۲۹۳۶

۱۳۸۹/۱۲/۱۰

صور تجلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد خانم/ آقای: علی محمد آرزو زاده

پدانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی به شماره دانشجویی: ۸۷۰۰۵۴۷۰۵۴

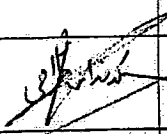



تحت عنوان: مزآینه واژه سازی با و نرها در کلام و دهنه

با حضور هیات داوران در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۴/۴/۳۱ ساعت ۱۱

در محل تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور استان خوزستان مرکز اهواز برگزار شد و هیات

داوران پس از بررسی، پایان نامه مذکور را شایسته نمره به عدد ۱۹ به

حروف نوزده با درجه عالی تشخیص داد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبۀ دانشگاهی	امضاء
۱	سید محمد رضا طراچی	استاد راهنما	استاد	
۳	محمد علی...	استاد مشاور	استاد	
۲	محمد رضا...	استاد داور	استاد	
۵	...	نماینده تحصیلات تکمیلی	...	

تقدیم نامه:

تقدیم به پدر و مادر عزیز و ارجمندم که به قول خودشان برای
ملاشدنم ، سیاه چادرشان را در هم پیچیده، به زندگی شیرین و زیبای
عشایری برای همیشه پایان داده و زندگی یکجانشینی را برگزیده اند
تا ایل و عشایر خیلی زود به خاطراتشان بپیوندند.

سپاس نامه :

از همه ی اساتید ارجمندی که در طول دوران تحصیل برایم زحمت کشیده و با ارشادات و راهنمایی های خود یاریم نموده اند؛ بخصوص اساتید بزرگ وارجمندم، آقایان دکتر مهدی کدخدای طراحی (استاد راهنما) و دکتر محمدمین رکنی (استاد مشاور) که کار راهنمایی و مشاوره ی بنده را در انجام این رساله عهده دار شدند، بی نهایت ممنون و سپاسگزارم.

همچنین از خواهر عزیزم «زیبا» که بانگشتان زیبایش در تایپ مطالب بسیار زحمت کشیده و همسروفا دارم که سختی های دوران تحصیل را تحمل نموده و همیشه یاریگر و مشوقم بوده اند، تشکر و قدر دانی می نمایم .

چکیده:

یکی از شیوه های لغت سازی، ساختن لغت با پیشوندها و پسوندهای اشتقاقی است. اشتقاق یعنی تعیین طبقه ی دستوری کلمه با افزودن یکی از ضمیمه های اشتقاقی و نیز ارائه ی مفهومی جدید از یک کلمه بدون آنکه طبقه ی دستوری آن کلمه را تغییر دهد. پژوهش حاضر به بررسی پیشوندها و پسوندهای اشتقاقی کتاب کلیله و دمنه می پردازد. این پژوهش از چهار فصل تشکیل شده است که به ترتیب عبارتند از: فصل اول «تعریف اصطلاحات»، فصل دوم «پیشوندها» فصل سوم «پسوندها» و فصل چهارم «سخنی درباره ی میانوند و نتیجه گیری». کلیدواژه: واژه سازی، اشتقاق، پیشوند، پسوند، کلیله و دمنه

نشانه های اختصاری

جلد	ج:
صفحه	ص:
صفحات	صص:
حاشیه	ح:
رجوع شود	ر.ش:

عدد سمت راست شماره ی صفحه و عدد سمت چپ شماره سطر می باشد.

۴:۲۰

فهرست مطالب

صفحه

۱	مقدمه
۳	فصل اول: تعریف اصطلاحات
۴	توضیح پیرامون این فصل
۵	۱- اشتقاق چیست؟
۵	۲- بنیاد چیست؟
۶	۳- پیشوند چیست؟
۶	۴- پسوند چیست؟
۶	الف) پیشوندها و پسوندهای فعّال
۶	ب) پیشوندها و پسوندهای نیمه فعّال
۷	پ) پیشوندها و پسوندهای غیرفعّال یا مرده
۸	۵- ریشه و ماده
۹	فصل دوم: پیشوندها
۱۰	توضیح پیرامون این فصل
۱۱	«آ-»
۱۱	«۱-»
۱۱	«آف-»
۱۲	«ام-»
۱۲	«باز-»
۱۵	«بر-»
۱۷	«بی-»
۲۱	«پا-»، «پاد-» و «پای-»
۲۲	«پ-» «پت-» و «پ-»
۲۱	«پژ-»
۲۲	«در-»
۲۳	«دش-»
۲۳	«فر-»

۲۴	« فَرَا- »
۲۵	« فَرَاز- »
۲۵	« فَرُو- »
۲۶	« ن- »
۲۷	« نا- »
۲۹	« لا- »
۳۰	« هم- »
۳۱	فصل سوّم: پسوندها
۳۲	توضیح پیرامون این فصل
۳۳	« ا- »
۳۵	« ار- »
۳۷	« از- »
۳۷	« ال- »
۳۷	« ان- »
۴۲	« -انه » « ان + ه »
۴۳	« -انی » « ان + ی »
۴۴	« بار- »
۴۵	« بان- »
۴۶	« سجه (سجه - یچه) »
۴۷	« داد- »
۴۷	« دان- »
۴۸	« دن- » مصدری
۴۹	« ادن- »
۴۹	« یدن- »
۴۹	« انیدن- »
۵۰	« ن- » مصدری
۵۱	« زار- »
۵۲	« سار- »

۵۳	« - سان »
۵۳	« - سیت، - شت »
۵۴	« - ستان » (استان و اُستان)
۵۵	« - ش »
۵۷	« - فام »
۵۷	« - قان »
۵۷	« - ک » « - گک »
۵۸	« - کار »
۵۹	« - گار »
۶۱	« - گان »
۶۲	« - گانه »
۶۳	« - گانی » « - گان + ی »
۶۴	« - گاه »
۶۵	« - گر »
۶۶	« - گین ، - آگین »
۶۷	« - له »
۶۷	« - م »
۶۸	« - مان »
۶۹	« - مند » « - ومند »
۷۰	« - ن »
۷۰	« - ن »
۷۰	« - ن »
۷۱	« - ناک »
۷۱	« - نجه » « - نج + ه »
۷۱	« - ند »
۷۲	« - نده » « - ند + ه »
۷۳	« - نه » « - ن + ه »
۷۳	« - نین »

۷۳	« - و »
۷۴	« - وا » (- بان و پان)
۷۴	« - وار »
۷۶	« - واره » (- وار + ه)
۷۶	« - وان »
۷۷	« - وانِه » (وان + ه)
۷۷	« - ور »
۷۹	« - وِش »
۸۰	« - ون »
۸۰	« - وند »
۸۱	« - ه » (هاء بیان حرکت)
۸۲	« - ه » (هاء صفت مفعولی)
۸۴	« - ه » غیر فعلی
۸۶	« - ها »
۸۷	« - ی » « - گی » مصدری
۹۱	« - ی » نسبت
۹۳	« - ئی »
۹۴	« - یار »
۹۴	« - یان » (ی + ان)
۹۵	« - یت » (یتِه)
۹۷	« - یر » (یر)
۹۷	« - یزک »
۹۸	« - یزه »
۹۸	« - یک »
۹۹	« - ین » aina
۱۰۱	« - ینه » (ین + ه)
۱۰۱	« - یون » (- گون)

فصل چهارم: میانوند یا میان کلمه و نتیجه گیری

۱۰۳

۱۰۴

۱۰۴

۱۰۵

۱۰۶

توضیح پیرامون این فصل

میانوند در زبان فارسی

« ۱ »

نتیجه گیری

فهرست منابع و مآخذ

مقدمه:

زبان مادری ما، نعمت بزرگ و ارزشمندی است که کمتر به ارزش آن توجه داریم، درست مانند ماهی که در آب زندگی می کند، ولی ارزش حیاتی آب را نمی داند. اگر ما از زبان بی بهره بودیم نه هویت خود را می شناختیم و نه می توانستیم علمی بیاموزیم و یا علم خود را به دیگران انتقال دهیم. یا اینکه با دیگران ارتباط داشته باشیم. و از آنجا که زبان وسیله ی شناسایی فرهنگ و ادبیات هر کشور می باشد. بی گمان برای شناسایی ادبیات خود که مجموعه ی آداب و رسوم و فرهنگ و عقاید ماست نیاز به آموزش زبان داریم. و استفاده ی بهتر و مفیدتر از زبان نیز در گرو شناسایی و فهمیدن آن است. بنابراین ما با آموختن دستور زبان به ویژگی ها و ظرفیت های زبان خود پی می بریم و با مقایسه ی زبان خود با دیگر زبان های دنیا در یادگیری آن زبان ها نیز موفق می شویم.

آثار ارزشمند ادبیات ما هر یک آینه ایست بیانگر آداب و رسوم، فرهنگ و شیوه های زندگی بزرگان و گذشتگان ما که به عنوان میراث ارزشمندی به دستمان رسیده است و در این میان پاسداری و نگهداری از این آثار و همچنین شناساندن خوب و مؤثر آنان به دیگران، به ویژه نسل امروز و فرزندان آینده ی ایران زمین از وظایف خطیر ماست. یکی از این آثار کتاب ارزشمند کلیده و دمنه می باشد. کلیده و دمنه مجموعه ای از دانش ها و حکمت هایی است که مردمان خردمند قدیم گردآوردند و برای فرزندان خویش به میراث گذاشتند تا از آن حکمت عملی و آداب زندگی بیاموزند. اصل این کتاب به زبان هندی با نام پنجه نتره *panchatantra* « در پنج باب فراهم آمده است؛ برزویه ی طبیب مروزی به دستور انوشیروان، پادشاه ساسانی آن را به پارسی درآورد و ابواب و حکایاتی از دیگر مآخذ هندی بر آن افزود و دمنه نام نهاد و در عصر ساسانیان سخنگوی بزرگ زبان فارسی، ابو عبدالله رودکی

نثر ابن المقفع رابه نظم فارسی امروزی درآوردو در عهد بهرام شاه غزنوی، ابوالمعالی نظام الملک معین الدین نصرالله بن محمد بن عبدالحمید بن احمد بن عبدالصمد منشی دیوان غزنویان بار دیگر کلیله و دمنه ی ابن المقفع را به نثر فارسی ترجمه کرد. نثر زیبای نصرالله منشی بر ارزش این کتاب دو چندان می افزایدو آن را تبدیل به یکی از بزرگترین آثار زبان فارسی می نماید.

کلیله و دمنه جدا از مفاهیم ارزشمند آن که درس های بزرگ زندگی اندیشمندان است . بسان مرشدی ارشادگر نکات مهم اخلاقی و اجتماعی زندگی را به ما می آموزد و راه خوب زیستن و خوب بودن را فرا رویمان قرار می دهد واز سرانجام بدکاری ،حیله گری و هزاران گناه دیگر بیم می دهد. از آنجا که بسیاری از نویسندگان بزرگ زبان فارسی کار اشتقاق و واژه سازی در زبان فارسی را پیش گرفته اندو بسیاری از دستورنویسان ما در این راه زحمات زیادی متحمل شده اند تا ساختار زبان فارسی را برای علاقه مندان و استعمال کنندگان این زبان تبیین نمایند. اما چنین کاری در نثر زیبای کلیله و دمنه انجام نشد و نثر این کتاب کلمات ارزشمندی را به ما معرفی می نماید که شاید به خوبی با ساختار آنها آشنا نباشیم. در این رساله سعی بر آن شد تا چگونگی ساخت واژه های فارسی با پیشوندها و پسوندهای فعال و نیمه فعال و تا حدودی مرده و غیر فعال را که در نثر ارزشمند کتاب کلیله و دمنه به کار رفته است ، شناسایی کنیم و به دوستان این نثر گران بهای فارسی تقدیم نماییم.

فصل اول :

تعريف اصطلاحات

در این فصل اصطلاحاتی همچون؛ اشتقاق، پسوند، پیشوند، نوع پسوندها و پیشوندهای زبان فارسی از جهت میزان کاربرد و فعالیت و نیز، بنیاد و ریشه در کلمات و تفاوت آن با ماده، تعریف و معرفی می‌شوند.

۱- اشتقاق چیست؟

« لغت سازی به وسیله ی ضمیمه های اشتقاقی را اشتقاق می گویند.»^۱

اشتقاق دانشی است که چگونگی ساخت کلمات با استفاده از ضمیمه های اشتقاقی را برای ما روشن می کند.^۲

کلمات مشتق از پیوستن اجزائی بی معنی به نام وندها با جزءهای معنی دار تشکیل می شوند.

این وندها خود دو نوعند:

گروهی به کلمات ساده می پیوندند و کلمه ی تازه ای می سازند که به آن ها (وند اشتقاقی) می گویند و گروهی دیگر هنگام پیوستن به کلمات ساده تغییری در معنی کلمه به وجود نمی آورند که آن ها را (وند صرفی) می نامند.

«گاهی وند یا ضمیمه تغییر چندانی در معنی کلمه نمی دهد که می توان آن را ضمیمه ی زائد یا تقویتی نامید. مانند: رخسار و رخساره، شادمان و شادمانه

اما گاهی ضمیمه ی اشتقاقی سبب تغییر طبقه ی دستوری کلمه می شود؛ یعنی موجب می گردد که مثلاً اسم تبدیل به صفت یا صفت تبدیل به اسم شود. مانند «ی» صفت ساز (ی نیست) که اسم را بدل به صفت می کند. مانند: (خیابانی، تهرانی) و همچنین «ی» اسم ساز (ی مصدری) که صفت را تبدیل به اسم معنی می کند و اسم مصدر می سازد. مانند: سیاهی، تباهی، سبزی و...»^۳

«* اشتقاق همیشه موجب تغییر طبقه ی دستوری کلمه نمی گردد؛ مثلاً اشتقاق با پسوندهای «کده، گاه، زار وستان» این تغییر را سبب نمی شود و تنها معنی آنها را تغییر می دهد و اسم هایی که با این پسوندها به وجود می آیند، به عنوان اسم باقی می مانند. مانند: دانشکده، ورزشگاه، گلزار و گلستان.»^۴

۲- بنیاد چیست؟

«کلمه یا نیم کلمه ایست که ضمیمه ای به آن می پیوندد و کلمه ی مشتق می سازد.»^۵

۱- فرشیدورد، ۱۳۸۶: ص ۱۱۳

۲- فرشیدورد، ۱۳۸۴: ص ۱۳۴

۳- پیشین: ص ۱۳۱

۴- فرشیدورد، ۱۳۸۶: ص ۱۱۳

۵- پیشین: ص ۱۱۷

۳- پیشوند چیست ؟

عنصر دستوری نامستقلی است که به تنهایی معنی خاصی ندارد ولی با اضافه شدن به اول بنیاد، کلمه ی مشتق می سازد. مانند: دش، فر، هم، نا و با درکلمات: دشمن، فرسنگ، هم نشین، نادان و با هوش^۱

۴- پسوند چیست ؟

عنصر دستوری نامستقلی است که به تنهایی معنی خاصی ندارد ولی با اضافه شدن به پایان بنیاد، کلمه ی مشتق می سازد. مانند: «مند، ور، ش، گر، گین» درکلمات: هنرمند، کینه ور، بینش^۲
پیشوندها و پسوندها به سه گروه تقسیم می شوند و عبارتند از:

الف) پیشوندها و پسوند های فعال :

«وندهایی هستند که توانایی سازندگیشان قوی و نامحدود است و به طور قیاسی و فراوان می توان با آنها لغت تازه ساخت. مثلاً: «ی» صفت ساز «ی نسبت» و «ی» اسم ساز «ی مصدری» و پیشوند «هم» فعالند و کاربردشان عام است. «ی» صفت ساز تقریباً به آخر هر اسمی می چسبد و آن را به صفت تبدیل می کند. مانند: (تهرانی، آسمانی و...) و «ی» اسم ساز تقریباً به آخر هر صفتی می پیوندد و آن را تبدیل به اسم می کند. مانند: (سیاهی، بلندی، سفیدی و...) البته قدرت لغت سازی عناصر فعال اشتقاقی مطلق و استثنا ناپذیر نیست، زیرا در هر شرایطی با این مواد نمی توان کلمه ی تازه ساخت. از جمله موقعی که بین اجزاء اشتقاق، ستیز معنایی، آوایی یا ذوقی وجود داشته باشد.^۳ مثلاً پسوند «ش» رابه هر بن مضارعی نمی توان اضافه کرد و با آن لغت ساخت. به عنوان نمونه می توان گفت «بینش، دانش، بخشش» اما «پوسش و خوابش» نمی گوئیم. این کلمات گرچه از لحاظ دستوری درستند اما از نظر معنایی صحیح نیستند.^۴

ب) پیشوندها و پسوندهای نیمه فعال

عناصر نیمه فعال آنهایی هستند که گاهی ممکن است با آنها کلمه ای تازه ساخت. مانند: «ش» و «ار»: مصدری که با آنها (گوش، دانش، ساختار و کردار) می توان ساخت ولی با آنها (خوانش، شنوش، خواندار) نمی توان به وجود آورد.^۵

۱- فرشیدورد، ۱۳۸۶: ص ۱۱

۲- پیشین

۳- فرشیدورد، ۱۳۸۴: ص ۱۷۷

۴- فرشیدورد، ۱۳۸۶: ص ۱۰۸

۵- پیشین: ص ۱۰۸

پ (پیشوند و پسوند غیر فعال یا مرده :

عناصر غیرفعال خود دوگروه هستند: «گروه نخست: آن هایی که در عین غیر فعالی، عنصری مشخص به شمار می روند و می توان آن ها را از اجزاء دیگر تمییز داد. مانند «ام» در کلمه های «امروز، امشب و امسال» و «بار» در کلمه های «جویبار، رودبار» به این ترتیب با «ام» و «بار» نمی توانیم کلمه ی تازه ای بسازیم اما می دانیم که «ام» عنصریست متمایز از «شب، روز و سال» و «بار» نیز چیزی جدا از «جوی و رود» است.

گروه دیگر: آن ها که چنان با عناصر هم نشین خود درآمیخته اند که مجموعاً تبدیل به یک کلمه شده اند و کلمه ای بسیط تشکیل داده اند به طوری که تمییزشان از بقیه ی اجزاء کلمه ممکن نیست مگر از راه علم ریشه شناسی و اشتقاق تاریخی^۱ و مطالعه ی زبان های قدیم؛ مانند «آ» در «آمدن و آوردن» و «فر» در «فرسودن و فرمودن»^۲

* بنابراین پسوند اشتقاقی فعال یا قیاسی، پسوندی است که با آن بتوان به طور نامحدودی لغت تازه ساخت. مانند: «-گر» که با آن می توان کلماتی نظیر (دادگر، کارگر، کفشگر، ستمگر، برزگر، رفتگر و.....) ساخت و «-بان» که با آن کلماتی نظیر (باغبان، دربان، نگهبان، پاسبان، ستوریان و...) ساخته می شود.^۳

ساختمان اشتقاقی غیر فعال یا سماعی آن است که از نظر قدرت ساختن لغات جدید، عقیم است و نمی توان با آن کلمه ی تازه ای ساخت و کلمات برخاسته از آن محدودند و بیشتر جامد و فسرده و مربوط به قدیم هستند. مانند: «امرداد» به معنی (بی مرگ) که از پیشوند مرده ی اوستایی «ا-» نفی +مرتا (مردنی) = بی مرگ ساخته شده است.^۴

بنابراین ساختمان های اشتقاقی غیر فعال و فسرده آن هایی هستند که در قدیم زنده بوده ولی در عصر ما زبانی و رویش خود را از دست داده اند. مانند: عناصر «ام»، «دژ»، «دش»، «فر» و «ه» اسم آلت و اسم مصدر در کلمات «امشب، دژخیم، دشمن، فرمان، رنده و خنده» که امروز مرده هستند و نمی توان گفت: ام لحظه (به معنی این لحظه) یا دژ روز (به معنی بد روز)^۵

1-Etymology

۲- فرشیدورد، ۱۳۸۱: ص ۱۰۹

۳- پیشین، ص ۱۷۸

۴- پیشین، ص ۱۷۹

۵- فرشیدورد، ۱۳۸۱: ص ۱۰۹

۵- ریشه و ماده چیست ؟

« عنصر اصلی و ناکاستنی لغوی درکلمات خویشاوند وهم زمینه است که پس از برداشتن تمام عناصر الحاقی برجای می ماند.»^۱ مانند: (ساخ، بر و پرور) درکلمات؛ ساخت، برد و پرورد و نیز (دان و گو) درکلمات (می دانم و جوینده)

ریشه در زبان های هند و اروپایی قسمت لغوی کلمه است و در برابر ضمیمه ها (پسوندها و پیشوندها) و عناصر الحاقی قرار می گیرد و در زبان های سامی صامت های خاصی است که در مقابل مصوت ها و صامت های بخصوصی قرار می گیرد. به عنوان مثال: در ترکیب کلمه ی دانا، «دان» ریشه و «ا» پسوند الحاقی است و یا در کلمه ی (ساخت)، «ساخت» ریشه و «ت» عنصر الحاقی و پسوند ماده ساز است. ولی در کلمه ی عربی (کَتَبَ)، «ک، ت، ب» ریشه و فتحه ها عناصر الحاقی هستند. ریشه خاص زبان های ترکیبی قدیم است که در اسم و فعل هر دو وجود دارد. در این زبان ها ریشه با ضمیمه ی ماده ساز ترکیب می شود و عنصر تازه ای به نام ماده به وجود می آورد که پسوند ها بدان ملحق می شوند.^۲

در فارسی امروز گاهی ریشه و ماده ی مضارع بر هم منطبق هستند یعنی هر دو یکسانند. مانند: «دان» و «توان» در کلمه های (می داند و توانست) که هم، ریشه اند و هم، ماده اند. در حالی که همیشه ریشه ی ماضی و ماده ی آن یکسان نیستند. مثلاً ریشه ی ماضی در کلمه های (سوختیم و ساختند)، «سوخ» و «ساخت» است در صورتی که ماده ی ماضی آن ها «سوخ» و «ساخت» می باشد و ریشه ی مضارع آن ها «سوز» و «ساز» است.^۳

۱- پیشین، ص ۱۱۸

۲- پیشین

۳- پیشین، ص ۱۱۹